

یادداشت‌ها و نکات از کتاب تروتسکی: انقلاب پی‌گیر

داریوش کاندپور

انقلاب پی‌گیر
تروتسکی
ترجمه: سیاوس نواب
چاپ دوم، آبان ماه ۱۳۵۹

• مقدمه بر چاپ اول بزبان فارسی، [محمود صدفی زاده - نویسنده مقدمه] (خرداد ۱۳۵۳)
«تئوری انقلاب پی‌گیر، تروتسکی یک‌سال پس از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، در زندان تزار تدوین کرد و برپایه آن تئوری که از تلفیق مارکسیسم با ویژگی‌های روسیه عقب‌افتاده و تجربیات ۱۹۰۵ بدست آمده بود، او ماهیت سوسیالیستی انقلاب آینده روسیه را پیش بینی نمود.» ص - ۷

به عبارت دیگر فوریه ۱۹۱۷ سوسیالیستی بود!!
او ماهیت سوسیالیستی انقلاب آینده روسیه یعنی ۱۹۱۷ - فوریه! را پیش بینی نمود!

فرمول بندی تروتسکی همین است:

«برخلاف این عقیده غلط که دیکتاتوری پرولتاریا در مرحله بعدی، پس از دوران پیروزی انقلاب دمکراتیک امکان‌پذیر است، تئوری انقلاب پی‌گیر اعلام می‌دارد که پیروزی انقلاب دمکراتیک فقط از طریق دیکتاتوری پرولتاریا میسر میشود.» ص - ۱۴ - ۱۳

هرچند هم این عبارت پرطمطراق را مبنی بر اینکه شرط انقلاب دمکراتیک، دیکتاتوری پرولتاریاست زیر و رو کنیم و تفاسیر متعدد از آن ارائه دهیم، در اینجا دمکراسی بورژوایی و پرولتری و همچنین انقلاب دمکراتیک و سوسیالیستی مخدوش شده‌اند. نتایج بلاواسطه از این طرز فرمول‌بندی از اینقرارند:

۱. شرط پیروزی انقلاب دمکراتیک دیکتاتوری پرولتاریاست
۲. مخدوش کردن مرز دو انقلاب
۳. انکار نقش دهقانان در انقلاب و مسایل دمکراسی بطور کلی.
۴. انکار موضوع مربوط به مبارزه طبقاتی در فاصله دو انقلاب؛ هر چه که می‌خواهد طول بکشد. مسائل دیگر همه در این رابطه قابل فهم‌اند.

• انشعاب از تروتسکیسم (انشعاب درونی):

حزب کمونیست. ایران (ح. ک. ا)

۱- دهقانان بلحاظ موقعیت خود کارگرند!

۲- انقلاب دمکراسی جنبه شرایط ذهنی دارد!

بیان تئوریک انشعاب:

«وظیفه اصلی امروز بهم آوردن شکاف بین رسیدگی شرایط عینی انقلاب و نارسای شرایط ذهنی پرولتاریا و پیشآهنگ آنست...» - ص ۱۴

«پلی که شرایط عینی و آگاهی فعلی توده، را از یک سو، با مقصد نهایی در سوی دیگر که دیکتاتوری پرولتاریاست متصل می‌کند.» - ص ۱۴

این که ح. ک. ا. همین عبارات را در آثار خود تکرار می‌کند و در عین حال خود را مبرا از تروتسکیسم می‌خواند بدینوسیله درک می‌شود که نتایج فوق را تئورسین‌های تروتسکیسم در همان سیستم و به مثابه انشعابی از آن بیان میدارند. مفهوم علمی «تروتسکیسم» در اینجا (در مورد ح. ک. ا.) عبارت است از قبول مبانی تروتسکیسم در استدلال برای توجیه انقلاب دمکراسی [در چهارچوب بورژوازی].

بیهوده نیست که می‌گویند:

«تروتسکیسم نحله‌ای از منشویسم است.» (استالین)

متن کتاب

مقدمه بر چاپ اول (بزبان روسی) - چاپ برلین [به نوامبر ۱۹۲۹]

«لنین مسئله را بکلی بنحو دیگری مطرح کرد... رهایی دمکراتیک واقعی دهقانان تنها از طریق تشریک مساعی انقلابی کارگران و دهقانان تحقق پذیر خواهد بود. بنابراین لنین، قیام مشترک آنان در برابر جامعه کهن، در صورت پیروزی باید منجر به استقرار «دیکتاتوری دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان» گردد.

این فرمول در حال حاضر در انترناسیونال کمونیست بعنوان یک حکم دگم مافوق تاریخی تکرار می‌گردد، بدون آنکه در جهت تحلیل تجارب تاریخی زنده بیست و پنج سال اخیر کوشش بعمل آید. گویی ما شاهد انقلاب ۱۹۰۵، انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و بالاخره انقلاب اکتبر نبوده‌ایم و در آنها شرکت نداشته‌ایم. در حقیقت، چنین تحلیل تاریخی بمرابت ضروری‌تر است، چرا که یک رژیم «دیکتاتوری دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان» هرگز در تاریخ وجود نداشته است.» - ص ۲۱

A1: بنابراین نظریه لنین فرضیه‌ای مردود شده توسط تاریخ می‌باشد. طبق نظر تروتسکی انقلاب فوریه نیز، به چنین چیزی منجر نشد. در حالیکه لنین صراحتاً از تحقق دیکتاتوری مذکور در شوراها کارگران و سربازان بحث می‌کند.

«در سال ۱۹۰۵ لنین این فرمول را بعنوان فرضیه استراتژیک عنوان کرد که در سیر مبارزات طبقاتی واقعی نیاز به آزمایش داشت.» - ص ۲۱

در حالیکه لنین در فصل‌های گوناگون دو تاکتیک از فرضیه نه که از یک ضرورت سخن می‌گوید.

دو تاکتیک: جمهوری دمکراتیک (دیکتاتوری انقلابی کارگران و دهقانان)

صفحات ۲۷۸ و ۲۸۴

طرح قبلی دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی توسط مارکس

I. حکومت مطلقه مردم

II. کارگران + بورژوازی دمکرات = مردم

III. دهقانان = بورژوازی دمکرات

صفحات ۸-۷-۶-۲۸۵

آموزش مارکس و انگلس در این مورد جنبه نتیجه‌گیری از عمل و تجربه انقلابی دارد. این یک نظریه یا فرضیه محض نبود. آموزش لنین در اینمورد فقط تاکید مجددی بر روی آموزش مارکسیسم است. آموزش لنین در اینمورد فقط در مرکز توجه قرار دادن آموزش وظیفه پرولتاریا در انقلاب دمکراسی و نقش مبارزه او در راه دمکراسی، در مبارزه‌اش در راه هدف نهایی.

تروتسکی چیزی را به لنین منسوب می‌دارد که در اصل به مارکس و انگلس = RI و تجربیات قرن ۱۹ مربوط است. و در هر دو حال آنرا تحریف می‌کند.

آیا دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی در روسیه بوجود آمد؟! RII
پاسخ:

در باره قدرت دوگانه (۹ آوریل ۱۹۱۷) لنین

قدرت دوگانه عبارت از چیست؟ عبارت از اینست که در کنار حکومت موقت، یعنی حکومت بورژوازی، حکومت دیگری تشکیل یافته که هنوز ضعیف و در حالت جنینی است ولی بهر حال موجودیت جمعی و مسلم داشته و در حال نمو است: این حکومت، شوراها و نمایندگان کارگران و سربازان است.

ترکیب طبقاتی این حکومت دیگر، چگونه است؟ پرولتاریا و دهقانان (که به لباس سربازان ملبس هستند) خصلت سیاسی این حکومت چیست؟ دیکتاتوری انقلابی یعنی...» ص - ۴۵۶

S: پس جناب آقای تروتسکی؛ «چه چیزی در تاریخ هرگز وجود نداشته است؟!»

تروتسکی میگوید این فرمول را لنین

«بعنوان یک فرضیه استراتژیک عنوان کرد که در مسیر مبارزات واقعی نیاز به آزمایش داشت.» ص - ۲۱

در سال ۱۹۲۹؛ بحث از آزمایش چیزی که RIII.

در سال ۱۹۰۵ ارائه و در سال ۱۹۱۷ (فوریه) عملاً آزمایش شده است چه معنی میدهد؟

تروتسکی برای تحریف آموزش لنین در باره دیکتاتوری دمکراتیک به تحریف آموزش او درباره

احزاب می‌پردازد:

«او (لنین) این امکان را رد نکرد که دهقانان بوسیله یک حزب مستقل در انقلاب نمایندگی داشته باشند. حزبی که به دو مفهوم مستقل باشد، یعنی نه تنها در رابطه با بورژوازی بلکه همچنین در رابطه با پرولتاریا و درعین حال حزبی که توانایی آنرا داشته باشد که متحداً با حزب طبقه کارگر، انقلاب دمکراتیک را در نبرد علیه بورژوازی لیبرال تحقق ببخشد.» ص - ۲۲

*این تماماً خلاف آموزش لنین درباره احزاب و سیاست خرده بورژوا-دهقانی است. زیرا از نظر مارکسیسم لنینیسم حزب خرده بورژوایی مستقل از سیاست دو طبقه تجلی وجود ندارد. این عبارت تروتسکی بمنظور تخطئه آموزش لنین و تحریف آن صورت می‌گیرد.

«من علیه فرمول «دیکتاتوری دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان» بپا خواستم» ص - ۲۲

«زیرا در آن این نقص را می‌دیدیم که این مسئله که دیکتاتوری واقعی به کدام طبقه تعلق خواهد گرفت را بدون پاسخ رها کرده است.» ص - ۲۲

انتساب ص ۲۲ معنی دار میشود:

«من سعی می‌کردم نشان بدهم که دهقانان، علیرغم وزنه عظیم اجتماعی‌شان و انقلابی‌اشان، قادر نیستند یک حزب واقعاً مستقل ایجاد کنند.» ص - ۲۲

مسئله دیکتاتوری به «مسئله حزب تغییر یافت!!»

«و از آن ناتوان تر اینکه قادر نیستند قدرت انقلابی را از دست چنین حزبی متمرکز کنند.»
ص - ۲۲

و سپس تروتسکی به لفاظی معمول خود می‌پردازد:

«از این مطلب من چنین نتیجه گرفتم که انقلاب بورژوازی ما تنها هنگامی می‌تواند وظایف خود را یکسره انجام دهد که پرولتاریا با کمک توده چندین میلیونی دهقانی قادر باشد دیکتاتوری انقلابی را در دست خود متمرکز سازد.»

لفظی: دیکتاتوری انقلابی را به کمک دهقانان، در دست خود (پرولتاریا) متمرکز سازد!

به عبارت دیگر، دیکتاتوری پرولتاریا بوسیله‌ای تبدیل خواهد شد که وظایف به تاخیر افتاده انقلاب بورژوازی را انجام دهد. لیکن تصفیه نمیتواند در اینجا فیصله یابد. پرولتاریا، با رسیدن بقدرت مجبور خواهد بود هرچه ژرفتر به مناسبات مالکیت خصوصی بطور کلی حمله کند، یعنی راه دست زدن به اقدامات سوسیالیستی را پیش بگیرد. ص - ۲۳

▪ مرز انقلاب تماماً مخدوش شده است.

*سوسیالیسم در یک کشور

تئوری سوسیالیسم در یک کشور که ابتدا توسط استالین در پاییز سال ۱۹۲۴ فرموله شد، نه تنها در تضاد کامل با کلیه سنن مارکسیسم و مکتب لنین بود، بلکه حتی با آنچه که خود استالین در بهار همانسال نوشته بود بکلی مغایرت داشت. ص - ۴۳

از نقطه نظر اصولی، جدایی مکتب، استالینیسم از مارکسیسم بر سر موضوع ساختن سوسیالیسم کم اهمیت تر و فاحش تر از مثلاً بریدن سوسیال دمکراسی آلمان از مارکسیسم بر سر موضوع جنگ و وطن پرستی در پاییز سال ۱۹۱۴، یعنی درست ده سال پیش از چرخش استالینیستی نیست. خصلت این تشابه بهیچ وجه تصادفی نیست. «اشتباه» استالین درست مانند «اشتباه» سوسیال دمکراسی آلمان همان سوسیالیسم ملی است. ص - ۴۳

نقطه حرکت مارکسیسم اقتصاد جهانی است. ص - ۴۴

۱. نیروهای تولیدی جامعه سرمایه داری مدتهاست که محدوده مرزهای ملی را پشت سر گذارده- اند.
۲. ساختن جامعه سوسیالیستی ملی منزوی را هدف قرار دادن، بمعنای اینست که علیرغم موفقیت‌های گذرا، نیروهای تولیدی حتی در مقایسه با نظام سرمایه‌داری هم عقب‌تر کشیده شوند. ... تعقیب یک ناکجا آباد ارتجاعی است.
۳. مع الوصف اگر منادیان و هواداران این تئوری در مبارزات انقلابی جهانی شرکت می‌کنند... به این سبب است که آنان به مثابه التقاطیون بیچاره، انترناسیونالیسم انتزاعی را با سوسیالیسم ملی اتویک ارتجاعی بطور مکانیکی ترکیب می‌کنند. تجلی عالی این التقاط‌گرایی برنامه کومیترن، مصوب ششمین کنگره آنست.

نقل قول استالین

۶ مه ۱۹۲۹

«این اشتباه است که ویژگی‌های خاص سرمایه‌داری آمریکا را نادیده بگیریم. حزب کمونیست باید این ویژگی‌ها را در فعالیتهای خود در نظر بگیرد. لیکن از این اشتباه‌تر آنست که فعالیت حزب کمونیست را بر اساس این وجوه ویژه استوار بسازیم. زیرا شالوده اساسی فعالیت‌های هر حزب کمونیست - منجمله حزب کمونیست امریکا - که خود را بر پایه آن استوار می‌سازد، نباید وجوه ویژه هر کشور بخصوص، بلکه وجوه کلی سرمایه داری باشد. وجوهی که برای کلیه کشورها یکسان است. انترناسیونالیسم احزاب کمونیست دقیقاً بر این اساس استوار می‌باشد: وجوه ویژه صرفاً متمم وجوه کلی هست.»

تأکیدات از L.T. (لئون ترسکی)

بلشویک No.1 1930 P.8

نقد L.T. از این عبارت:

«این نظر غلطی است که اقتصاد جهانی صرفاً مجموعه‌ای از اقتصادهای ملی یکسان و از یک نوع است.»
ص - ۴۵

به این می‌گویند لفاظی تروتسکیستی. استالین از وجوه کلی و وجوه ویژه سخن می‌گوید. آقای بورژوا!! که انقلاب در یک کشور را قبول ندارد!! از یکسانی همه جهان در یک اقتصاد واحد.

A- اقتصاد جهانی واحد است. سرمایه‌داری جهانی است.

نظریه خرده بورژوازی سیسموندی

B- پایه انترناسیونالیسم اقتصاد جهانی است نه رابطه اساسی مشترک و کلی کار و سرمایه !

نظریه عدم امکان انقلاب در یک کشور

سوسیالیسم در یک کشور

C- یا همه جهان! یا هیچ چیز! = شکست طلبی! یاس و دشمنی با انقلاب

تروتسکی ص - ۴۵

«برخلاف نظر استالین مطلقاً غلط است که فعالیتهای احزاب کمونیست را برپایه برخی از «وجوه کلی» استوار سازیم. یعنی آنرا برپایه نوعی تجربه از سرمایه داری ملی قرار دهیم.»

استالین: شالوده اساسی؛ وجوه کلی. این ویژگی‌ها را باید در «فعالتهای خود در نظر» بگیرید. این چه ربطی به پرت و پلائی تروتسکی دارد؟!

:L.T

«انترناسیونالیسم احزاب کمونیست برپایه ورشکستگی دولت ملی استوار است که مدتهاست عمرش به سرآمده و ترمزی بر رشد و کنترل نیروهای تولید بدل گشته است. سرمایه داری ملی جز به عنوان بخشی از اقتصاد جهانی قابل درک هم نیست چه برسد به اینکه قابل تجدید ساختمان باشد.» ص - ۴۵

این نقطه نظر مشترک ا. م. ک. / ح. ک. / ا. باب آواکیان / ریموند توما - تروتسکی و ... دیگران است. اقتصاد واحد جهانی

نتایج:

- سرمایه داری در سطح جهانی سرمایه داری است.
- هر کشور از نقطه نظر مناسبات و روابط بنیادی اش سرمایه داری نیست!
- بهمین نهج هم تروتسکی یک دشمن انقلاب از آب درمی‌آید: زیرا سرمایه یک رابطه تاریخی معین است نه چیز دیگری!

:L.T

«ویژگی‌های اقتصادی کشورهای مختلف بهم وجه دارای خصلتی ثانوی نیستند. اجزاء اقتصاد جهانی ... انترناسیونالیسم!» ص - ۴۶

نتیجه نهایی استدلالات

:L.T

«این باعث سعی در اشتراکی کردن سوسیالیستی کامل اراضی دهقانان بر مبنای موجودی ماقبل سرمایه داری گردید. ماجراجویی بسیار خطرناکی که حتی امکان همکاری مابین پرولتاریا و دهقانان را تهدید به انهدام میکند.» ص - ۵۶

چه کسی بجز تروتسکی می توانست در لوای انقلاب جهانی از بورژوازی دفاع کند؟

اشتراکی کردن = ماجراجویی! از بین بردن اتحاد با دهقانان منجمله کولاک‌ها!

آن دادگاه‌های غیرمنصفانه آقای مهتدی در اینجاست که معنی دار می‌شود!

تا وقتی انقلاب جهانی صورت نگرفته ترمز کنید!

L.T

«یک پروگرام واقعینانه برای یک دولت کارگری منزوی نمی تواند کسب «استقلال» از اقتصاد جهانی و حتی از آنهم کمتر ساختن یک جامعه سوسیالیستی - ملی را «در کوتاهترین مدت» هدف خویش قرار دهد. وظیفه موجود رسیدن به آهنگ حداکثر انتزاعی نیست بلکه حصول یک آهنگ مطلوب است. یعنی بهترین آهنگی که از شرایط اقتصاد داخلی و خارجی منتج شده، موقعیت پرولتاریا را تحکیم بخشیده، عناصر ملی جامعه آینده سوسیالیستی بین المللی را تدارک دیده، و درعین حال و بالاتر از هر چیز، بطور سیستماتیک سطح زندگی پرولتاریا را بهبود بخشیده و اتحاد آنرا با توده‌های غیراستثمارگر روستا مستحکم سازد. این چشم انداز؟! باید در طول تمام دوران تدارک، یعنی تا زمانیکه انقلاب پیروزمند در کشورهای پیشرفته اتحاد شوروی را از موقعیت منزوی کنونی‌اش رها می‌سازد، بقوت خود باقی باشد.» صفحه‌های ۷-۵۶

تئوری پاسیفیسم! تسلیم!! و عقب نشینی در برابر بورژوازی! به بهانه تدارک انقلاب جهانی چگونه انقلاب موجود را می‌فروشند. تروتسکی با تئوری انقلاب جهانی‌اش فی الواقع از طبقه کارگر پیروزمند می‌خواهد دست به بورژوازی نزنند، رشد اقتصادی نکنند، و منتظر بماند تا مگر انقلاب جهانی او را برهاند.

[درباره شعار «دیکتاتوری دمکراتیک» ... من در سال ۱۹۰۹ در ارگان لهستان روزالوکزامبورگ نوشتم:

«درحالیکه منشویکها، با حرکت از موضع انتزاعی، انقلاب ما بورژوایی است، به این نظریه می‌رسند که کل تاکتیک پرولتاریا را تا لحظه کسب قدرت با رفتار بورژوازی لیبرال تطبیق دهند، بلشویک‌ها، با حرکت از همان موضع انتزاعی عریان، دیکتاتوری دمکراتیک نه دیکتاتوری سوسیالیستی. به این نظریه می‌رسند که پرولتاریا باید، با وجود دردست داشتن قدرت، خود را به حدود بورژوا-دمکراتیک محدود کند. تفاوت میان ایندو در این مسئله مسلماً بسیار مهم است: درحالیکه وجوه ضدانقلابی منشویسم از هم اکنون خود را با تمام قوا نشان میدهند، جنبه‌های ضدانقلابی بلشویسم تنها در صورت پیروزی انقلاب ممکن است به خطری بزرگ تبدیل شوند.» ص - ۱۵۲

براین قسمت از مقاله که در نسخه روسی کتاب ۱۹۰۵ من نیز تجدید چاپ شده در ژانویه ۱۹۲۲ تذکری بشرح زیر نوشتم:

«چنانکه همه میدانند، این چنین نشد: زیرا بلشویسم تحت رهبری لنین (گرچه نه بدون مبارزه داخلی) در مورد این مهمترین مسئله در بهار ۱۹۱۷ یعنی پیش از تسخیر قدرت، خود را از نظر ایدئولوژیک تجدید سلاح کرد.» ص - ۱۵۲

تجدید سلاح! آقای تروتسکی تغییر مرحله انقلاب را تجدید سلاح تفسیر میکند!

«آیا صحیح‌تر نیست تصدیق کنیم که فرمول قدیمی و جبری بلشویکی دارای خطرات مشخص در بطن خود بود؟ رویدادهای سیاسی این فرمول را همانگونه که همیشه در مورد فرمول‌های مهم انقلابی روی می‌دهد- با محتوای پر کرد که با انقلاب پرولتاریایی در تضاد بود.» ص - ۱۵۳

جمع بندی تروتسکی از لنینیسم!

تروتسکی خلاصه می‌گوید که:

- شعار اصلی انقلاب روسیه در نزد بلشویکها «دیکتاتوری دموکراتیک کارگران و دهقانان» در تجربه واقعی و در تئوری مردود است.
- برای چین و غیره ایضاً
- انقلاب اکتبر لنینیسم را دفن نمود!
- اکتبر ۱۹۱۷ تمامی تاریخ قبلی بلشویسم و لنینیسم را مردود ساخت.
- لنینیسم = یک فرضیه موقتی

«با چپاندن این فرمول در برنامه، یک فرضیه موقتی را تقدیس می‌کنند.» ص - ۱۵۵

تئوری لنینیسم = یک فرضیه موقتی

تئوری تروتسکی = یک تئوری پیشرو و عمومی!

تروتسکی:

انقلاب دمکراسی — دیکتاتوری پرولتاریا

«تاریخ محتوای انقلاب بورژوازی را با اولین مرحله انقلاب پرولتاریایی ترکیب کرد. آنها را هم در نیامیخت، بلکه بطور ارگانیک با هم ترکیب کرد.» ص - ۱۵۷

مراحل تاریخی! = اپورتونیسیم

«رادک از «فرضیه عملی» بلشویسم [و دیکتاتوری کارگران و دهقانان] یک الگوی فوق تاریخی ساخته است.» ص -

۱۶۲

درباره چین ۱۹۲۸؟ تروتسکی می‌نویسد:

«تقریباً هیچ طبقه مالک زمین در چین وجود ندارد. مالکین ارضی در چین بمراتب بیشتر از مالکین ارضی در روسیه تزاری با سرمایه داران پیوند خورده‌اند و در نتیجه وزنه بخصوص مسئله ارضی در چین سبک‌تر از وزنه آن در روسیه تزاری است. لیکن از سوی دیگر مسئله آزادی ملی اهمیت بسیار زیاد دارد. بهمین مناسبت توانایی دهقانان چینی در مبارزه سیاسی انقلابی مستقل برای نوسازی دمکراتیک کشور مسلماً نمی‌تواند بیشتر از توانایی دهقانان روسی باشد.»

ص - ۱۶۵

«استالین + = دمکرات های انقلابی» ص - ۲۶

«سه جنبه انقلاب پیگیر:

۱. از دمکراتیک به سوسیالیستی
۲. انقلاب و مبارزه طبقاتی تحت شرایط سوسیالیستی
۳. انقلاب ملی --، به جهانی. ص - ۲۹-۲۶

«در سالهای ۲۷-۱۹۲۵ که در چین، آنان بجانب انقلاب ملی تحت رهبری بورژوازی ملی روی آوردند در نتیجه، برای چین شعار دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان را در مقابل دیکتاتوری پرولتاریا علم کردند!» ص - ۲۸-۲۹

یا انقلاب پیگیر یا سوسیالیسم در یک کشور - این دو شق در عین حال مسائل داخلی اتحاد شوروی، چشم انداز انقلاب در شرق، بالاخره، سرنوشت اترناسیونال کمونیست را یکجا دربر می گیرد. ص - ۳۰

مخالفت با کلتیویزاسیون. ص - ۴۳

سوسیالیسم در یک کشور توسط استالین فرموله شد! ص - ۴۳

«درچین بطور همزمان هم وحدت [ملی] و هم آزادی، هردو با هم مطرح است... در چین از سال ۱۹۱۱ به بعد رژیم سلطنتی دیگر وجود نداشته، طبقه مستقل مالک وجود ندارد، بورژوازی ملی کومین تانگ قدرت را در دست دارد، و روابط ارباب و رعیتی به اصطلاح بطور شیمیایی با استثمار بورژوایی ترکیب شده است.» ص - ۱۶۶

- از نظر تروتسکی درچین ۱۹۲۸ مسئله دهقانان و مسئله ملی - آزادی چندان رابطه ندارند. او نمی تواند در بهم «شیمیایی»، مناسبات فئودالی با استثمار بورژوایی - یعنی در استثمار دورگه همان چیزی را ببیند که دهقان چینی را در عین حال به مبارزه علیه مالکین - بورژوازی - امپریالیسم فرا میخواند. او بطور مکانیکی مبارزه دهقانان را انکار میکند. و برای آنکه نقش نظامات کهن را در چین و علت آنرا - که در طفیلگری سرمایه مالی و عقب افتادگی جامعه چین نهفته است کم اهمیت سازد از یکطرف مدعی است که «طبقه مالکین» در چین وجود ندارد!

از طرف دیگر:

«مسئله ارضی در چین سبک تر از وزنه آن در روسیه است.»

و بالاخره:

«وزنه خاص مسئله ملی در چین» مرکز قضیه است.

تروتسکی از شاخی به شاخ دیگر می پرد. وظایف فوری انقلاب را با وظایف آتی آن بطور مکانیکی مخلوط میکند، دست به عبارت پردازی پیرامون «الگوهای تاریخی» «لنینیسم» و «بلشویسم» حقیر و «ضدانقلابی» می زند تا توجیه کند که در چین در مرکز تحول انقلابی مسئله دهقانان قرار ندارد و مسئله ارضی امر کم اهمیتی است. آنوقت مدعی است که من کی و کجا به دهقانان کم اهمیت داده ام! کی و کجا؟!

درباره دیکتاتوری دمکراتیک:

«دیکتاتوری دمکراتیک باید خصلتی بینابینی داشته باشد، یعنی اینکه دارای یک محتوی خرده بورژوایی باشد. شرکت پرولتاریا در این دیکتاتوری چیزی را تغییر نمی دهد، زیرا در طبیعت چیزی بنام میانگین ریاضی خطوط طبقاتی گوناگون یافت نمی شود. اگر دیکتاتوری دمکراتیک نه دیکتاتوری بورژوایی

است و نه دیکتاتوری پرولتاریا، پس نتیجه می شود که خرده بورژوازی باید نقش تعیین کننده و قاطع بازی کند.» ص - ۱۶۹

تفاوت بین کشورهای پیشرفته و عقب افتاده:

«تفاوت بین کشورهای پیشرفته و عقب افتاده در چیست؟ تفاوت بس بزرگ است، لکن دامنه این تفاوت در محدوده سلطه روابط سرمایه داری باقی می ماند. اشکال و شیوه های حاکمیت بورژوازی در کشورهای مختلف بسیار متفاوتند. در یک قطب، سلطه خصالتی خشک و مطلق بخود می گیرد، مانند ایالات متحده، در قطب دیگر، سرمایه مالی خود را با نهادهای کهنه قرون وسطایی آسیای منطبق می سازد. به این وسیله آنها را تحت سلطه خود درمی آورد و شیوه خود را بر این نهادها تحمیل می کند، مانند هندوستان.»
صفحات ۱۷۴-۱۷۳

• تئوری یا قانون رشد ناموزون در نزد تروتسکی به چه معنی است؟

تمسخر لنینیسم

«دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی استالین و رادک

هیچ تفاوتی با

دیکتاتوری دمکراسی انقلابی تسره تلی و دان ندارد.» صفحات ۱۸۱-۱۸۰

«دیکتاتوری دمکراتیک چیست؟ ... این دیکتاتوری تقریباً همان است که «لنین» در رابطه با انقلاب ۱۹۰۵ تصویر می کرد»

انقلابیون را به «استنباطات» لنین از حوادث آینده حواله می دهند ... اما لطفاً ممکن است به ما بگویید که این شعار در عمل چگونه است؟ در کشور شما چگونه تحقق یافت؟
«در کشور ما به شکل کرنسکیسم و دوره قدرت دوگانه تحقق یافت.» L.T

«آیا ما می توانیم به کارگران خود بگوییم که شعار دیکتاتوری دمکراتیک در کشور ما بشکل کرنسکیسم ملی خودمان تحقق خواهد یافت؟» L.T

«نه! نه! هیچ وجه! هیچ کارگری این شعار را نخواهد پذیرفت. کرنسکیسم عبارت از نوکری بورژوازی و خیانت به زحمتکشان است.» L.T

کمونیست شرقی با تکدر خاطر می پرسد: «پس ما به کارگران خود چه باید بگوییم؟...»
شما باید به آنها بگویید که دیکتاتوری دمکراتیک همان چیزی است که لنین در رابطه با دیکتاتوری دمکراتیک آینده تصور کرده بود.»

اگر کمونیست شرقی حواسش را از دست نداده باشد. سعی می کند بپرسد:

«اما مگر لنین در سال ۱۹۱۸ توضیح نداد که دیکتاتوری دمکراتیک تنها در انقلاب اکتبر، که دیکتاتوری پرولتاریا را مستقر نمود، تحقق اصیل و واقعی خود را به دست آورد؟ آیا بهتر نیست حزب و طبقه کارگر را دقیقاً بسوی این چشم انداز متوجه نمود؟»

«تحت هیچ شرایطی ابداً بخود اجازه فکر کردن درباره آنها هم نده. چراکه این ان-ن-ن - انقلاب پ-پ-پ پیگیر است! این ت-ت-ت - تروتسکیسم است!» صفحات ۱۸۲-۱۸۱

چه ابتدالی در استدلال!

فرمول تروتسکی برای انقلاب چین

«انقلاب نوین چین تنها بشکل دیکتاتوری پرولتاریا می‌تواند رژیم موجود را سرنگون کند و قدرت را به توده مردم منتقل سازد.»

دیکتاتوری دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان برخلاف دیکتاتوری پرولتاریا که دهقانان را رهبری می‌کند و برنامه دمکراسی را تحقق می‌بخشد، یک افسانه است، خود فریبی است یا از این بدتر، کرنسکیسم یا کومین‌تانگیسم است.» ص - ۱۹۹